

## بحران قره باغ (دور جدید درگیری های نظامی ارمنستان و آذربایجان)

نویسندگان:

امین صادقی بکیانی - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شیراز

محمد پدین - دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه شیراز

### مقدمه

منطقه قره باغ یا آرتساخ که در مرز دو کشور آذربایجان و ارمنستان واقع شده، اکثریتی ارمنی دارد اما از زمان شوروی سابق تحت کنترل آذربایجان بوده است. جمعیت ارمنی با حدود ۱۴۰ هزار نفر، جمعیت مسلط این سرزمین می باشد که اکثرا پیرو مذهب مسیحی آپوستولیک هستند. (۱) بعد از جنگ جهانی اول، گرجستان، ارمنستان و آذربایجان اعلام استقلال کردند. در طول این مدت قره باغ تحت کنترل آذربایجان بود. در سال ۱۹۲۰ این سه کشور تحت قوانین شوروی قرار گرفتند. در سال ۱۹۲۳ قره باغ از حاکمیت آذربایجان خارج شد و از این مدت به بعد در امور داخلی خود مستقل از آذربایجان شد و منطقه ی خودگردانی شد. در این زمان ۷۰ درصد جمعیت قره باغ ارمنی بودند. فروپاشی شوروی بر سیاست منطقه قفقاز جنوبی (آذربایجان، ارمنستان و گرجستان) تاثیر ژرفی گذاشت. قفقاز جنوبی به دلیل همجواری با کشور جمهوری اسلامی ایران به عنوان منطقه هم مرز تقریبا زمینه تبدیل به یک همبود امنیتی را فراهم نموده است. باید توجه داشت که فروپاشی شوروی و تکوین حوزه ی ژئوپلیتیک آسیای مرکزی و قفقاز علاوه بر ایجاد فرصت های فراوان در ابعاد مختلف امنیتی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای ایران با چالش های عمده ای نیز همراه بوده است. جمهوری اسلامی ایران در محیط بین الملل با بازیگرانی مواجه است که بعضا موجب تهدید آن می شوند در نتیجه ی کنش این بازیگران شاهد تحولاتی هستیم که در نهایت امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را تهدید می کنند. محیط منطقه ای ایران نیز طی سالهای گذشته به شدت تغییر یافته و ایران نیز با توجه به تغییرات در محیط امنیتی و تغییر در ماهیت تهدیدات سیاست دفاعی و خارجی خود را باید تنظیم نماید. در چنین شرایطی که هر لحظه امکان آغاز جنگ گسترده بین دو کشور می رود ثبات و امنیت منطقه و همسایگان این دو کشور را با تهدید مواجه می کند چرا که کشوری مانند ایران که دارای جمعیت زیادی آذری و اقلیت ارمنه در خود می باشد مطمئنا در متن جنگ خواهد بود حالا چه بخواند به طرفداری از یکطرف دخالت کند و چه اعلام بی طرفی کند باز هم مشکلات جدی برای منافع ملی و امنیتی اش به وجود خواهد آمد.

### قره باغ

بر طبق مطالعات سیاسی - تاریخی موضوع قره باغ در فلسفه ی سیاسی پروژه ی ارمنستان بزرگ ریشه دارد. در حقیقت مطالعات تاریخی آشکار می کند که ارمنستان تشکیلات سیاسی - جغرافیایی نداشته است و آنها برای قرن ها فاقد تمامیت سرزمینی بودند و آنها در امپراطوری های عثمانی، ایران و روسیه پراکنده بودند اما زمانی که روس ها به منطقه ی قفقاز جنوبی آمدند، اوضاع تغییر

کرد. بنابراین در قرن ۱۹ پروژه ی ارمنستان بزرگ به وسیله نخبگان مذهبی و رهبران ارمنی تحت تفکرات ناسیونالیستی جدید معرفی شد. آنها معتقد بودند که این پروژه می تواند آنها را از پراکندگی نجات دهد، هرچند که در آن زمان ارمنستان نه مرز و جغرافیایی و نه قانون مشخصی داشت که بتواند سرزمین ارمنستان بزرگ را تشکیل دهد. بنابراین به نظر می رسد که اعاده ی سرزمین ارمنستان و درگیری اش در قره باغ در وصیت نامه ی ارامنه برای ایجاد سرزمینی که بتوانند در آن اقامت گزینند، ریشه دارد. در حالیکه مفهوم تاریخی- جغرافیایی ارمنی ها مطابق با سرزمین باستانی ارمنستان نمی باشد. (۲) روس ها در طول دهه ها و قرن های گذشته همیشه اقدام به اضافه کردن جمعیت ارامنه در منطقه ی قفقاز کرده بودند و برای پایان دادن به حضور ترک ها و ایرانی ها در منطقه با در نظر گرفتن اینکه هویت مسیحی ارمنستان یک امتیاز بزرگی برای روسیه به شمار می رود. باید خاطر نشان کنیم که زمانی که روس ها وارد منطقه قره باغ شدند، اکثریت جمعیت این سرزمین را ترک های مسلمان تشکیل می دادند اما پس از تسلط روسیه برتری جمعیتی این سرزمین به نفع مسیحیان ارمنی تغییر پیدا کرد.

در حقیقت مطالعات آماری نشان می دهد که قبل از اشغال منطقه به وسیله ی روس ها، تنها ۲۰ درصد ارمنستان، جمعیت ارمنی بودند و ۸۰ درصد آن مسلمان بودند. (۳) علیرغم اینکه قره باغ به نظر می رسد بخشی از ارمنستان در برطرف کردن امور روزانه اش باشد و با وجود وابستگی زیادی که به ارمنستان دارد اما قره باغ جمهوری مستقلی می باشد هرچند که مورد شناسایی خود ارمنستان نیز نمی باشد. (۴) در واقع رئیس جمهور سابق ارمنستان، لئون تر پتروسیان از شناسایی رسمی قره باغ بعد از اعلامیه ی استقلال این کشور امتناع کرد و در واکنش به این اقدام ارمنی های جمهوری خودخوانده قره باغ به طور صریحی از الحاق به ارمنستان مخالفت کردند. (۵) این سرزمین در حال حاضر به وسیله ی ارمنی های بومی این سرزمین کنترل می شود.

حکومت آذربایجان اعلام کرد که جمعیت ارمنی قره باغ باید تنها خودمختاری شان را در چارچوب قانون اساسی آذربایجان اعلام کنند که این پیشنهاد به وسیله ی ارمنستان رد شد و ارمنستان این موضوع را قابل مذاکره نمی داند. (۶)

## تاریخچه منازعه قره باغ

در سال ۱۹۸۸ (قبل از فروپاشی شوروی) اهالی منطقه برای جدایی از آذربایجان تجمع کردند و از مسئولان حزب کمونیست جدایی منطقه را از آذربایجان شوروی و الحاق آن را به ارمنستان خواستار شدند. کمی دیرتر در پی این کش و قوسها دولت آذربایجان شوروی دست به انتقام زده از ماه فوریه همان سال کوچ اجباری ارمنی های ساکن آذربایجان و کشتار آنها در سومگایت و باکو و گنجه صورت گرفت. این رویدادها شعله جنگی را شروع کرد ( که بعضی مفسرین آن را تسریع کننده فرایند فروپاشی شوروی نیز می دانند که در آن ارمنیان خواستار خودمختاری شدند). در همین سالها شوروی فروپاشید و دو کشور مستقل شدند و جمهوری خودخوانده قره باغ تحت حمایت ارمنستان قرار گرفت. هرچند با مداخله روسیه این جنگ به یک آتش بس منتهی شد، اما درگیری هرگز به معنای واقعی متوقف نشده و "وضعیت نه جنگ نه صلح" بین آنها حاکم شد و طرفین هر از چند گاهی وارد درگیری های مقطعی نظامی می شوند. در فوریه ۱۹۸۸ مجلس قره باغ درخواست کرد که حاکمیت در مسکو این سرزمین را با جمهوری سوسیالیستی ارمنستان شوروی متحد کند. البته این درخواست پذیرفته نشد زیرا که قانون اساسی شوروی اجازه نمی داد که مرزهای این کشور تغییر کند. (۷) در دسامبر ۱۹۹۱ رفراندومی در قره باغ (بدون شرکت آذری های بومی) برگزار شد که نتیجه ی آن اعلام استقلال این سرزمین بود و در سال ۱۹۹۲ از کشورهای جهان درخواست شناسایی بین المللی کرد. (۸) و این امر موجب آغاز

فصلی تازه در جنگ بین ارمنستان و آذربایجان بود که در نتیجه ی آن ۶۵۰۰ ارمنی و بین ۲۰ تا ۲۵ هزار آذری کشته شدند؛ ۴۱۲ هزار ارمنی از آذربایجان بیرون انداخته شدند و ۱۸۶ هزار ترک آذری از ارمنستان فرار کردند. (۹) تقریباً یک پنجم خاک آذربایجان به وسیله ی ارمنستان از این کشور جدا شد.

از سال ۱۹۹۲ مذاکرات برای متارکه جنگ بین ارمنستان و آذربایجان بر روی قره باغ تحت میانجیگری بین المللی گروه مینسک آغاز شد. این گروه وابسته به سازمان امنیت و همکاری اروپا در مصوبه ۹ می ۱۹۹۴ بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان آتش بس اعلام کرد که با توافق طرفین درگیر و حمایت روسیه، از ۱۲ ماه می همان سال آتش بس به اجرا درآمد. اگرچه بعد از آتش بس ۳ هزار انسان در کل از دو طرف در طول درگیری های مرزی از سال ۱۹۹۴ کشته شدند. (۹)

در سال ۲۰۱۶ شاهد بزرگترین درگیری میان دو کشور بعد از آتش بس سال ۱۹۹۴ بودیم که طی آن در چند روز درگیری ۲۰ سرباز از دو طرف کشته شده و به دنبال آن ارتش جمهوری آذربایجان هلیکوپتر ارمنستان را سرنگون کرد. (۱۰)

پس از درگیری های نظامی چند روزه ماه جولای ۲۰۲۰ (اواسط تیر) بین نیروهای جمهوری آذربایجان و ارمنستان که منجر به تلفات جانی از هر دو طرف شد، جنگ لفظی و برخی تحرکات دیپلماتیک به تنش در منطقه قفقاز دامن زد و بروز برخورد نظامی میان این دو کشور را قابل پیش بینی کرده بود. دور جدیدی از تنش ها میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان در خصوص منطقه مورد مناقشه قره باغ کوهستانی از ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ (۶ مهرماه) آغاز شد و طرفین یکدیگر را به حملات خمپاره ای به قلمروهایشان متهم کردند. جمهوری آذربایجان در این مناقشه با تکیه بر اصل حفظ تمامیت ارضی کشورها خواستار پایان اشغالگری ارمنستان شده و از سوی دیگر طرف ارمنی با استناد به اصل "حق تعیین سرنوشت" خواستار به رسمیت شناخته شدن حقوق ارامنه شده است

## تهدیدات ناشی از بحران قره باغ

۱- استمرار حضور و نفوذ ناتو در میان تمامی کشورهای آسیای میانه و قفقاز در چارچوب برنامه هایی چون «مشارکت برای صلح ناتو و برنامه اقدامات مشترک علیه تروریسم»

۲- منطقه قفقاز شمالی و جنوبی کانون های منازعات قومی در سالهای بعد از فروپاشی شوروی بوده و بستر بسیار مناسبی در این منطقه برای رشد افراط گرایی و جریان های تندروی اسلامی وجود داشته و درگیری های چچن تنها نمونه ای از این ظرفیت و این شرایط در منطقه را به نمایش گذاشت.

۳- کشورهای این منطقه نیز به دلایل مختلفی همیشه از ایجاد روابط با اسرائیل استقبال کرده اند. حتی رهبر روحانی مسلمانان در قفقاز، شیخ حاج الله شکور بن همیت اعلام کرد که او از توسعه روابط حسنه با اسرائیل استقبال می کند اما ممکن است به دلیل ترس از ناراحتی اعراب به اسرائیل سفر نکند. (۱۱)

۴- در صورت گسترده شدن و ادامه جنگ، امکان مهاجرت پناهجویان به ایران و تهییج احساسات ناسیونالیستی آذری های کشورمان وجود دارد.

۵- وجود طرح های عمرانی و چندجانبه و احداث خط لوله ها برای انتقال نفت و گاز به اروپا از این مسیر که از اهداف بلندمدت ایران می باشد نیازمند وجود صلح و ثبات در منطقه قفقاز می باشد که جنگ میان ارمنستان و آذربایجان نافی منافع و امنیت اقتصادی ایران می باشد.

۶- مناقشه قره باغ از نظر امنیت اجتماعی نیز بر امنیت ملی ایران تاثیرگذار خواهد بود به خصوص اگر این مناقشه به جنگی تمام عیار تبدیل شود. چرا که همرز بودن جمهوری آذربایجان با آذری های ایران و پیوندهای نزدیک بین آنها در صورت بروز جنگ موجب آواره شدن آنها و گسیل به مرزها ایران خواهد شد.

۷- ایجاد تله جانبداری برای ایران تا با حمایت از یک طرف به قطبی شدن منازعه در راستای منافع ترکیه عمل کرده باشد.

۸- با توجه به دگرگونی ژئوپلیتیک منطقه پس از جنگ سرد، رژیم صهیونیستی استراتژی اتحاد پیرموانی جدید را در پیش گرفته و مکان جغرافیایی پیرامون از حاشیه دولت های عربی به مناطق همجوار ایران تغییر یافته است و بحران قره باغ تسهیل گر این امر می باشد.

۹- اسرائیل با مداخله آشکار در این بحران و به ویژه در تأمین تسلیحاتی یک طرف ماجرا بر آن است تا در سایه شعله ور کردن آتش بحران در قفقاز جنوبی ناآرامی ها را در مرزهای ایران تشدید کند. «باید توجه داشت که بازیگران منطقه ای و فرامنطقه ای حاضر در منطقه ی قفقاز جنوبی(به خصوص ایالات متحده آمریکا) اول از همه تلاش دارند که نقش و حضور ایران را در منطقه کاهش دهند و دوم اینکه منابع جدید تهدید برای ایران در این منطقه بر سیاست خارجی ایران به وسعت زیادی تاثیر دارد.» (۱۲)

### پیامدهای بحران قره باغ

۱- جنگ نیابتی رو به گسترش در سطح منطقه می تواند نقش تعیین کننده ای در سطح کلان و موازنه قوا در ابعاد مختلف به خصوص در سطح نظامی داشته باشد.

۲- تبدیل جریانات تندور سلفی به عنوان بازیگران فروملی تعیین کننده در معادلات آتی منطقه قفقاز که مورد بهره برداری قدرت های منطقه ای و جهانی قرار می گیرد.

۳- تمرکز هر چه بیشتر اطلاعاتی، امنیتی و اقتصادی رژیم صهیونیستی بر این منطقه و افزایش نقش افرینی و بازیگری در راستای منافع خود و ضربه زدن به جمهوری اسلامی ایران.(قبلا اسرائیل در جنوب جمهوری آذربایجان پایگاه اطلاعاتی دایر کرده است.)

۴- شکل گیری جریانات جدید در کنار دیگر گرایش های پان ترکیستی در مناطق آذری نشین کشور برای حمایت های فعالانه و حتی مسلحانه از جمهوری آذربایجان.

۵- محدود شدن دسترسی ایران به بازارهای انرژی اروپا و اروپای شرقی از مسیر شمال غرب و حوزه راهبردی قفقاز.

۶- به دلیل وجود اقلیت آذری و ارامنه و برانگیختن احساس قومیتی آنها در ایران به خصوص از طرف کشورهای بیگانه، امکان اختلاف و تنش میان آنها در داخل کشور وجود دارد که می تواند امنیت اجتماعی ایران را مورد تهدید قرار دهد.

۷- تبدیل و قلب منازعه از امری ارضی - سیاسی به مسأله ای مذهبی - دینی برای محدودسازی و بی اثرسازی نقش میانجیگرایانه ایران.

۸- توجه اذهان به مسأله قره باغ و به حاشیه راندن افکار عمومی مسلمانان و اعراب از مسأله عادی سازی روابط امارات و بحرین با رژیم صهیونیستی.

۹- درگیرسازی هرچه بیشتر ایران در مرزهای خود منجر به عدم توجه و حمایت جدی از محور مقاومت می شود.

## سناریو های پیش رو

### کوتاه مدت: آتش بس شکننده

دیمیتری لاوروف در خصوص این توافق آتش بس اظهار داشت: «جمهوری آذربایجان، و جمهوری ارمنستان با میانجی گری گروه مینسک و بر پایه اصول بنیانی حل و فصل اختلافها، گفتگوهای اساسی با هدف دستیابی به یک توافق صلح آمیز را در اسرع وقت آغاز می کنند». در بیانیه ای مشترک که لاوروف به آن استناد کرد، آمده است که «مختصات آتش بس در منطقه قره باغ به طور جداگانه مورد توافق قرار خواهند گرفت». این بیانیه همچنین اعلام می کند که «دو طرف به حفظ چارچوب گفتگوها پیرامون قره باغ متعهد هستند. (۱۳) روسیه در این سناریو با به تعویق انداختن ادامه بحران، از درگیر شدن درون خارج نزدیک خود جلوگیری به عمل آورده و زمینه های شعله ور شدن درگیری های قومی و مذهبی با محوریت گروه های سلفی حاضر در منطقه را محدود می کند. در این سناریو علی رغم تعویق بحران، تهدید همچنان برای ایران تا بالفعل شدن فاصله ای ندارد. در واقع آنچه می توان به عنوان یک گزینه مقدور و بهترین گزینه در شرایط فعلی اشاره کرد، رسیدن به یک آتش بس برای پایان خونریزی بین دو کشور است.

### میان مدت: آتش بس سابق

همانطور که در بیانیه وزیر امور خارجه روسیه هم تأکید شده مختصات آتش بس در منطقه قره باغ جداگانه مشخص می شود و این یعنی اینکه برای رسیدن به آتش بس شبیه سال ۱۹۹۴ که با محوریت و مشارکت گروه مینسک شکل گرفت در مقطع کنونی مقدور نمی باشد و نیاز به رایزنی ها و نشست هایی فراتر از نشست مسکو که با حضور طرفین برگزار گردید، می باشد. در این سناریو همچون گذشته تلاش بر محدود سازی و حتی حذف نقش میانجیگری ایران می باشد ولی شکل گیری آتش بس همچون گذشته به طور غیرمستقیم در میان مدت هم منافع ایران را موقتا تأمین خواهد کرد. ترکیه نیز تلاش خواهد کرد در قالب گروه مینسک و جداگانه نقش آفرینی در حمایت از آذربایجان داشته باشد کما اینکه اعلام کرده هم در مبارزه و هم مذاکره در کنار جمهوری آذربایجان خواهد ماند.

### بلند مدت: آتش بس پایدار

با توجه به نقش قدرت‌های منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در این منازعه، چشم انداز روشنی برای آتش بس پایدار و تخلیه اراضی اشغالی جمهوری آذربایجان دیده نمی‌شود. روند تقابل قدرت‌هایی که در این منطقه تاثیرگذار هستند. بیش از آنکه به امنیت و آشتی این دو کشور کوچک در منطقه توجه داشته باشند، بیشتر به دنبال تامین منافع خود از طریق وضعیت نه جنگ، نه صلح و تداوم این منازعه بوده است.

## پیشنهاد‌های سیاستی

۱- توجه به نیازمندی ارمنستان برای خارج شدن از تحریمات اعمال شده به وسیله آذربایجان و ترکیه که از زمان درگیری قره باغ در سال ۱۹۹۲ آغاز شده است و عدم تمایل ارمنستان به وابستگی کامل به مسکو می‌تواند به عنوان روشی برای نفوذ و نزدیکی هرچه بیشتر ایران در حوزه های سیاسی، اقتصادی و امنیتی در ارمنستان تلقی شود. چرا که اهمیت استراتژیک ارمنستان برای مقابله با توسعه طلبی ترکیه در منطقه تلقی و می‌تواند ایران را به دریای سیاه، قفقاز شمالی و اروپا متصل کند.

۲- توجه به نیازمندی آذربایجان برای اتصال به آب های گرم خلیج فارس و دریای عمان و از طرفی جمهوری آذربایجان به دلیل مشکلات ناشی از قره باغ ارتباط زمینی با نخجوان ندارد و مسیرهای ارتباطی قبلی دوران شوروی که از طریق ارمنستان صورت می‌گرفت دیگر وجود ندارد و به همین دلیل نیاز این کشور به ایران بسیار زیاد شده است و مجبور است از خاک ایران بگذرد، زمینه نفوذ ایران در آذربایجان را گسترش خواهد داد.

۳- بهره گیری از پیوندهای قومی و پیشینه تاریخی ایران با جمهوری‌های آذربایجان و ارمنستان که ایران ظرفیت مناسبی برای تاثیرگذاری بر تحولات جاری و درگیری‌های کنونی در قفقاز جنوبی دارد.

۴- تهیه ی طرحی جامع با ابعاد امنیتی و سیاسی(خارجی) با مد نظر قرار دادن روندهای گذشته و احتمالات آینده برای مواجهه و مقابله موثر با بحران قره باغ چرا که هرگونه غافلگیری موجب صدمه زدن به امنیت ملی در ابعاد فیزیکی مرزها و منافع کلان خارجی می‌شود.

۵- رویکرد فرهنگی- تاریخی جمهوری اسلامی ایران نسبت به منطقه قفقاز از فروپاشی شوروی تاکنون موفقیت آمیز نبوده و نیاز به آسیب شناسی استراتژی فرهنگی سیاست خارجی ایران می‌باشد.

۶- منابع نفت و گاز و مسیر انتقال آن برای روسیه اهمیت دارد. ایران با در نظر داشتن این مولفه تلاش داشته باشد تا از وابستگی کامل ارمنستان به روسیه به دنبال این بحران جلوگیری کند.

## نتیجه گیری

نباید انتظار داشت که مساله قره باغ در چارچوب ها و نرم های متعارف بین المللی حل و فصل گردد. لذا بحران می‌تواند سال ها ادامه داشته باشد. اکنون بحران قره باغ برای هر دو هیأت حاکمه و طرف سوم یعنی قره باغی ها به مسأله ای حیثیتی و هویتی تبدیل شده است. آذربایجان مخالف برگزاری فراندوم است و آن را نمی‌پذیرد. ارمنستان نیز از بی حاصل بودن نتایج مذاکرات به علت سر سختی طرف آذری اظهار تأسف می‌کند. در واقع با وجود آنکه این بحران هزینه های بسیاری به دو کشور تحمیل کرده اما هیچ کدام از این دو کشور راضی به عقب نشینی نسبت به مواضع خود نمی‌باشند چرا که ملت دو کشور هیچ وقت همچون کاری را نمی‌پذیرد. از طرف دیگر این بحران به دلیل بین المللی بودن آن و حضور و دخالت قدرت های خارجی مانند آمریکا،

اتحادیه اروپا، روسیه، ترکیه و... که هر کدام اهداف خاصی را در این بحران دنبال می کنند باعث شده است که چشم انداز روشنی برای حل و فصل این بحران نتوانیم متصور شویم. موضع ج.ا.ایران نیز در این بحران کاملاً عقلایی و بر اساس منافع ملی صورت گرفته است. در حالیکه ج.ا.ایران سعی در بی طرفی در این بحران و کمک به دو کشور به خصوص برادران شیعه مسلمان خود کرده است اما از سمت گیری کامل نسبت به این کشور خودداری کرده است چرا که می داند رها کردن ارمنستان به معنی این کشور به قدرت های دشمن مانند آمریکا و اسرائیل و اتحادیه اروپا متمایل خواهد شد و جبهه غربی را در منطقه قدرتمندتر خواهد شد. در مورد جمهوری آذربایجان نیز ایران همچون سیاستی دارد و سعی دارد از وابستگی کامل این کشور به قدرت های غربی جلوگیری کند هر چند که جمهوری آذربایجان نسبت به ارمنستان از موضع ایران چندان راضی نیست چرا که انتظار دارد که ج.ا.ایران کاملاً طرف آنها را به عنوان یک کشور شیعه بگیرد. از طرف دیگر جمهوری اسلامی ایران به خوبی می داند که وقوع جنگ گسترده میان آذربایجان و ارمنستان دامن این کشور را هم خواهد گرفت چرا که از یکطرف وجود اقلیت آذری ها و ارامنه بر حساسیت این جنگ خواهد افزود و از طرف دیگر پای دشمنان ایران به خصوص آمریکا و رژیم صهیونیستی را بیش از پیش به مرزهای ایران باز خواهد کرد. از اینرو تمام تلاش خود را می کند این بحران از طریق دیپلماتیک حل و فصل شود و خواهان حفظ وضع موجود می باشد و از هر تحولی که موجب نزدیکی بیشتر این دو کشور به قدرت های دیگر به خصوص آمریکا و اسرائیل شود ناراضی خواهد بود.

- (1) COMPANJEN, Françoise J. "Nagorno-Karabakh–Embedded in Geopolitics." – *European and Regional Studies* 1.2 (2010): 230-240
- (2) Torbakov, Igor. "Russia and Turkish-Armenian Normalization: Competing Interests in the South Caucasus." **Insight Turkey** 12.2 (2010): 31-40
- (3) Valigholizadeh, Ali, and Mahdi Karimi. "Geographical explanation of the factors disputed in the Karabakh geopolitical crisis." **Journal of Eurasian Studies** 7.2 (2016): 172-180
- (4) Sonnleitner, Dominik. "Russia's backyard–unresolved conflicts in the Caucasus." **Politics in Central Europe** 12.1 (2016): 83-94
- (5) Koinova, Maria. "Conflict and Cooperation in Armenian Diaspora Mobilisation for Genocide Recognition." *Diaspora as Cultures of Cooperation*. **Springer International Publishing**, 2017. 111-129.
- (6) Rasizade, Alec. "Azerbaijan's prospects in Nagorno-Karabakh with the end of oil boom." **Iran and the Caucasus** 15.1-2 (2011): 299-317.
- (7) Nichol, Jim. "Azerbaijan: Recent Developments and US Interests." **Current Politics and Economics of Russia, Eastern and Central Europe** 28.2 (2013): 199-212
- (8) M.Efe,Caman And M.Aliakyurt. "Caucasus And Central Asia In Turkish Foreign Policy:The Time Has Come For Regional Policy".**TURKISH JOURNAL OF INTERNATIONAL RELATION**,Vol.10, NO.2-3,Summer 2011:1-20
- (9) Tskitishvili,Tamta. "Analysis Of Nagorno- Karabakh Conflict". **Journal of Social Sciences**,1(1):2012.1-5
- (10) Cornell, Svante E. "Turkey's Role: Balancing the Armenia-Azerbaijan Conflict and Turkish-Armenian Relations." *The International Politics of the Armenian-Azerbaijani Conflict*. **Palgrave Macmillan US**, 2017. 89-105
- (11)- Bishku, Michael B. "The South Caucasus Republics and Israel." **Middle Eastern Studies** 45.2 (2009): 295-
- (12)Yousefi, Mohammadtaghi. "Third-world oriented policies of Ahmadi Nejad government in south Caucasus." **J. Pol. & L.** 9 (2016): 1-7
- (13) <http://qafqaz.ir/fa>